



Constructing interaction with immigration networks in the narrative of those who want to leave their homeland

Mina Jalali¹ | Seyed Ali Hashemianfar² | Ehsan Aghababaei³

1. PhD candidate in sociology at Isfahan university, Esfahan, Iran. Email: jalali_mina64@yahoo.com

2. Corresponding Author, Associate Professor Social Science/ Isfahan university; Isfahan, Iran. Email: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

3. Assistant Professor Social Science, Isfahan university; Isfahan, Iran.. Email: ehsan_aqababaei@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

31 December , 2022

Received in revised form: 30

April 2023

Accepted: 26 May 2023

Published online: 10 June 2023

Keywords:

Migration , Migration network, Social capital, Potential migrant, Migration aspiration, Migration capacity, leaving/staying conflict

ABSTRACT

Migrant networks are sets of interpersonal ties that connect migrants, former migrants, and nonmigrants in origin and destination areas through ties of kinship, friendship, and shared community origin. These networks play an essential role in forming the aspiration to leave or stay in the homeland. Also, potential migrants improve their capacity to migrate by getting information from these networks and their interpretation of their facilitating or encouraging role. In this study, we tried to understand the interaction of potential migrants with these networks by using the qualitative method of narrative analysis. In order to analyze the obtained information, we have used thematic narrative analysis. The participants were selected in a Purposive sampling from young people between 20 and 40 years old living in Isfahan. The findings show that interaction with migration networks was the turning point in the narrative of some narrators about the formation of the aspiration to leave the homeland. The role of migration networks is prominent in the conflict between leaving and staying. Narrators aspire to migrate either because of the encouragement of networks in the homeland and migrant networks in the destination or because of the loss of emotional ties in the homeland. In the capacity-building phase, the aspirants mentally and practically prepare themselves for migration by rejecting or accepting the information sent by the migration networks and their support to facilitate the migration process..

Cite this article: Jalali, M.; Hashemianfar, S.A. & Aghababaei, E. (2023). Constructing interaction with immigration networks in the *Journal of Social Problems of Iran*, 13 (2), 109-128.

<https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92829>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

. DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92829>

برساخت تعامل با شبکه‌های مهاجرت در روایت مشتاقان به ترک وطن

مینا جلالی^۱ | سید علی هاشمیانفر^۲ | احسان آقابابایی^۳^۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، رایانامه: saberjafari65@atu.ac.ir^۲. نویسنده مسئول، دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: b.roustakhiz@atu.ac.ir^۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: pouriaabdi@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	شبکه‌های مهاجرت مجموعه پیوندهای بین‌فردی است که مهاجران، مهاجران سابق و غیرمهاجران را در مبدأ و مقصد مهاجرت از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و سایر اشتراکات اجتماعی به هم متصل می‌کند. شبکه‌ها در شکل‌گیری اشتیاق به ترک وطن یا ماندن در سرزمین مادری نقش‌آفرینی می‌کنند و مهاجران بالقوه با کسب اطلاعات از شبکه‌های مهاجرت و تفسیری که از نقش تسهیل‌کنندگی یا تشویقی آن‌ها دارند، ظرفیت خود برای مهاجرت را ارتقا می‌دهند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰	در این مطالعه تلاش کردیم با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل روایت به فهم تعامل مهاجران بالقوه با شبکه‌های مهاجرت بپردازیم. به منظور تفسیر اطلاعات، از تحلیل روایت مبتنی بر مضمون استفاده کرده‌ایم. مشارکت‌کنندگان به شیوه هدفمند از بین جوانان ۲۰ تا ۴۰ سال ساکن در شهر اصفهان که قصد مهاجرت دارند انتخاب شده‌اند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰	یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل با شبکه‌های مهاجرت، نقطه عطف روایت برخی از راویان از شکل‌گیری اشتیاق به ترک وطن بوده است. در کشاکش بین رفتن و ماندن نقش این شبکه‌ها پررنگ است. راویان یا به دلیل تشویق شبکه‌های غیرمهاجر در وطن و مهاجر در مقصد، یا به دلیل از دست رفتن پیوندهای عاطفی در وطن، مشتاق به مهاجرت می‌شوند. در مرحله ظرفیت‌سازی نیز مشتاقان با طرد یا پذیرش اطلاعات ارسالی از جانب شبکه‌ها و حمایت آن‌ها برای تسهیل فرایند مهاجرت، خود را از نظر ذهنی و عملی برای اقدام جهت مهاجرت آماده می‌کنند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	
مهاجرت، شبکه مهاجرت، سرمایه اجتماعی، مهاجر بالقوه، اشتیاق به مهاجرت، ظرفیت مهاجرت، کشاکش رفتن/ماندن.	

استناد: جلالی، مینا؛ هاشمیانفر، سیدعلی. آقابابایی، احسان. (۱۴۰۱). برساخت تعامل با شبکه‌های مهاجرت در روایت مشتاقان به ترک وطن. *بررسی مسائل اجتماعی*ایران، ۱۳(۱)، ۱۰۹-۱۲۸. <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92829>DOI: <https://doi.org/10.22059/ijsp.2023.92829>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و طرح مسئله

در چالش بین رویکردهای خرد و کلان در تبیین پدیده مهاجرت، دیدگاه‌های سطح میانی مانند شبکه‌های مهاجرت با تأکید بر پیوندهای اجتماعی، دیالکتیک بین عاملیت و ساختار را بازنمایی کرده‌اند. شبکه‌های مهاجرت، مجموعه پیوندهای بین‌فردی، خویشاوندی و دوستی را بازنمایی می‌کند که از طریق آن مهاجران، مهاجران سابق و غیرمهاجران در مبدأ و مقصد مهاجرت به هم مرتبط می‌شوند (مسی و همکاران^۱، ۱۹۹۳: ۴۴۸). پیوندهای حاصل از شبکه مهاجرت را می‌توان به عنوان شکل خاصی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفت. از اواخر دهه ۱۹۸۰ مفهوم سرمایه اجتماعی بورديو (۱۹۷۹) در مطالعات شبکه مهاجرت به کار گرفته شد. بورديو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالفعل یا بالقوه که به شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل یا به عبارت دیگر، عضویت در یک گروه مرتبط است تعریف می‌کند. افراد از شبکه‌های مهاجرت، به‌عنوان شکل خاصی از سرمایه اجتماعی برای دسترسی به منابع مکان‌های دیگر استفاده می‌کنند و از این طریق هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی مهاجرت را کاهش می‌دهند (دی‌هاس^۲، ۲۰۱۰: ۱۵۹۰-۱۵۹۰).

اگرچه برخی از نظریه‌پردازان معتقدند نقش شبکه‌های اجتماعی مهاجرت، به دلیل توسعه فناوری و دسترسی افراد به اطلاعات کامل از بازار کار جهانی و شیوه‌های استخدام در کشور مقصد کمرنگ شده است؛ اما همانگونه که زیمل نیز ادعا می‌کند عجین شدن در شبکه روابط اجتماعی، سرنوشت گریزناپذیر زندگی بشر است (کوزر، ۱۳۸۳: ۲۵۶) و همچنان این شبکه‌ها با ایفای نقش‌های متفاوت در مبدأ و مقصد مهاجرت در تصمیم فرد به مهاجرت یا ماندن تأثیرگذار هستند. تفسیر مهاجر بالقوه از حمایت یا تسهیل‌کنندگی این شبکه‌ها مخصوصاً در کشورهایی مانند ایران که همچنان پیوندهای خانوادگی و دوستانه در شکل‌گیری تعاملات، اخذ تصمیمات و برنامه‌ریزی برای اقدامات مختلف نقش مهمی ایفا می‌کنند غیرقابل انکار است. همانگونه که دی‌هاس (۲۰۱۰) ادعا می‌کند در جوامعی که سازمان اجتماعی و اعتماد عمده‌تأ مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی است، پیوندهای حاصل از عضویت در شبکه‌ها، کانال اصلی سوق دادن فرد به سمت مهاجرت بین‌المللی است. بر اساس گزارش رصدخانه مهاجرت ایران (۱۴۰۱) نیز حدود ۸۶ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که قصد مهاجرت دارند مایلند پس از مهاجرت از توانایی‌ها و امکانات خود برای مهاجرت اعضای خانواده و آشنایان خود استفاده کنند. همچنین مهمترین دلیل بازگشت مهاجران به کشور، در کنار دلایلی چون احساس غربت و احساس مفید بودن در کشور، بودن در کنار خانواده و دوستان مطرح شده است. بر این اساس و با توجه به نقش اثرگذار شبکه‌های روابط اجتماعی افراد در فرایند شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت در این پژوهش سعی کردیم با کنکاش در داستان گروهی از داوطلبان مهاجرت، تفسیر آن‌ها از نقش شبکه‌ها در شکل‌گیری اشتیاقشان به ترک وطن را توصیف کنیم و ضمن معرفی گونه‌های مهاجران بالقوه در جریان تعامل با شبکه‌ها، به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- شیوه تعامل مهاجران بالقوه با شبکه‌های اجتماعی در داخل کشور و شبکه‌های مهاجرت در خارج از کشور چگونه اشتیاق آن‌ها به مهاجرت را بر ساخت می‌کند؟
- تفسیر مهاجران بالقوه از پیوندهای حاصل از شبکه‌های روابط اجتماعی‌شان، در بر ساخت دغدغه‌های رفتن یا ماندن چیست؟
- تعامل مهاجران بالقوه با شبکه‌ها چه نقشی در ظرفیت‌سازی آن‌ها برای آمادگی جهت مهاجرت دارد؟

¹ Massey& et al

² De Haas

۲. مرور مطالعات پیشین

در پیشینه‌های تجربی، قدرت پیوندهای حاصل از شبکه‌های مهاجرت به مثابه سرمایه اجتماعی مهاجران در کاهش ریسک و هزینه‌های مهاجرت و نقشی که این شبکه‌ها در تسهیل فرایندهای ترک وطن و انتخاب مقصد مهاجرت دارند بررسی شده است. شواتیکی و هان^۱ (۲۰۲۲) با مطالعه طولی مهاجران کانادا، نحوه بهره‌گیری آن‌ها از روابط اجتماعی‌شان در هنگام ورود و بعد از اقامت در کشور کانادا را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که تازه‌واردان اغلب برای جلب حمایت، به جوامع قومی خود مراجعه و اقدام به ایجاد پیوندهای اجتماعی می‌کنند. شکل‌گیری شبکه مهاجران نه تنها در راستای پیوندهای قومی، بلکه در راستای سرمایه‌های فرهنگی و انسانی نیز رخ می‌دهد. به این معنا که حداقل در دو سال اول ورود به کشور کانادا، این سرمایه‌ها، نقش عمده‌ای در شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مهاجران، ایفا می‌کنند. برتولی و روسن^۲ (۲۰۱۸) با بررسی نتایج به دست آمده از نظرسنجی جهانی گالوپ به این نتیجه رسیده‌اند که شبکه‌های اجتماعی بر تصمیم به مهاجرت تأثیر می‌گذارند و حضور دوستان و آشنایان در یک کشور خاص، آن را به عنوان مقصد جذاب برای مهاجران بالقوه تبدیل می‌کند. کریولو^۳ (۲۰۱۵) نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی اشتیاق به مهاجرت را با بهره‌گیری از رویکرد زندگینامه‌ای در کشور «پرو» مورد مطالعه قرار داده است. او مدعی است جوانان با قرار گرفتن در «هندسه‌های قدرت» متعلق به شبکه‌ها، پیوندهای جدیدی ایجاد می‌کنند. وجود شبکه‌های خانوادگی و همسالان برای تبدیل اشتیاق انتزاعی به برنامه‌های ملموس‌تر و مهاجرت واقعی ضروری است. کریتن^۴ (۲۰۱۳) با تحلیل فرایندهای مهاجرت در زندگی خانوادگی مکزیکی‌ها، نشان می‌دهد که اشتیاق به مهاجرت به امریکا با هنجارهای مهاجرت در خانواده و دسترسی به شبکه‌ها ارتباط دارد. او به منظور تعریف قدرت شبکه مهاجرت، به تحلیل رابطه مهاجران بالقوه با ساکنان فعلی ایالات متحده می‌پردازد و بر این اساس دو نوع پیوند شبکه‌ای «نزدیک» و «گسترده» را تعریف می‌کند. البدای^۵ (۲۰۱۱) به دنبال تعیین عوامل مهاجرت در بین جوانان مصری به نقش مهم‌تر شبکه‌های دوستان و خویشاوندان در کشور مصر به عنوان کشور مبدأ نسبت به شبکه‌های مهاجرت در خارج از کشور اشاره می‌کند. به این معنا که جوانان مشتاق به مهاجرت در مصر، برای ترک وطن بیشتر از شبکه‌های اجتماعی داخل کشور به ویژه از خویشاوندان‌شان، انتظار کمک دارند.

در پژوهش‌های داخلی نقش پیوندهای حاصل از شبکه‌های اجتماعی، به مثابه سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است؛ همچنین ایجاد پیوندهای اجتماعی در مقصد، از جمله دغدغه‌های مهاجران برای زندگی در خارج از کشور معرفی شده است. افشاری و همکاران (۱۴۰۱) اعتماد به نهادهای عضویت افراد در شبکه‌های رسمی و مشارکت در شبکه‌های غیررسمی را به عنوان ابعاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند و با پیمایش آن در بین جوانان تهرانی به این نتیجه رسیده‌اند که با کاهش سرمایه اجتماعی، گرایش به مهاجرت بیشتر می‌شود. افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) به تحلیل تجربه زیسته زنان از مهاجرت پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تغییر در شبکه روابط و عضویت افراد در این شبکه‌ها، از جمله مسائل مربوط به تجارب پسمهاجرت است. زندگی در محیط چندفرهنگی علیرغم اینکه به یافتن دوستان از ملیت‌های مختلف کمک می‌کند؛ اما به دلیل تغییر در زمینه اجتماعی و فرهنگی، مشارکت در گفتگوهای روزمره با دیگران را با محدودیت مواجه می‌کند. صادقی و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل ثانویه موج سوم پیمایش ملی

¹ Georgina & Haan

² Bertoli & Ruysen

³ Crivello

⁴ Creighton

⁵ Elbadawy

سرمایه اجتماعی، مدعی هستند شبکه‌های اجتماعی در مقصد، رابطه مثبت و اعتماد اجتماعی در مبدأ رابطه منفی با تمایل به مهاجرت دارند. همچنین با کاهش سرمایه اجتماعی در تمامی سطوح خرد، میانی و کلان، تمایل به مهاجرت به خارج از کشور افزایش می‌یابد. میرزایی و باباخانی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که از مجموع متغیرهای اثرگذار بر مهاجرت به کشور استرالیا در بین جامعه مورد مطالعه‌شان، متغیرهای رضایت از امکانات رفاهی، شبکه دوستی، شبکه خویشاوندی و نظارت اجتماعی، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر تصمیم به مهاجرت داشته‌اند و اغلب مهاجران از طریق شبکه دوستی اقدام به مهاجرت کرده‌اند.

اگرچه در نظریات متأخر مهاجرت، جایگاه مهاجران و داوطلبان مهاجرت در تعامل با ساختارهای کلان و میانه به رسمیت شناخته شده است؛ اما در اغلب پژوهش‌های مرور شده به خصوص در پژوهش‌های داخلی، شیوه تعامل و تفسیر مهاجران بالقوه به مثابه عاملانی که بر مبنای تفسیرشان از تعامل با ساختارهای کلان و میانه (شبکه روابط اجتماعی اعم از شبکه‌های مهاجرت در خارج از کشور و پیوندهای اجتماعی در وطن) اقدام به مهاجرت می‌کنند نادیده انگاشته شده یا سهم اندکی به خود اختصاص داده است. مهاجران بالقوه به مثابه عاملان، در جریان تعامل با این شبکه‌ها نقش فعالی دارند. اشتیاق و ترجیحات ذهنی مهاجران بالقوه شیوه تعامل با شبکه‌ها و چگونگی بهره‌گیری از حمایت‌ها، اطلاعات، تشویق‌ها و تحذیرهای شبکه‌های مهاجرت را بر ساخت می‌کند. بر این اساس، شبکه‌سازی فرد، تفسیر او از تعامل با شبکه‌های مهاجرت و فرهنگی که در جریان این تعاملات شکل می‌گیرد نقش مهمی در برساخت و تداوم اشتیاق به ترک وطن یا ماندن در سرزمین مادری، حل تعارضات ناشی از کشاکش رفتن و ماندن و ارتقای ظرفیت برای تبدیل شدن به فرد مهاجر دارد. مسائلی که پژوهش حاضر در صدد است با بهره‌گیری از تحلیل روایت داستان‌های برخی از مهاجران بالقوه به تفسیر آن پردازد.

۳. چهارچوب مفهومی

تا دهه ۱۹۶۰، جابجایی افراد بین دو منطقه یا کشور به عنوان انتخابی عقلانی، بر اساس ایده به حداکثر رساندن سود و متأثر از عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد توضیح داده می‌شد. این رویکردها تا حد زیادی تحت تأثیر پارادایم اقتصادی نئوکلاسیک بودند که در آن زمان بر علوم اجتماعی و اقتصادی تسلط داشت. از دهه ۱۹۷۰ با شروع انتقاد از این رویکردها طیف جدیدی از نظریه‌های مهاجرت ظهور یافت (گالیچ^۱، ۲۰۱۷: ۱۰۱). در این نظریه‌ها جایگاه مهاجر در تعامل با ساختارها به رسمیت شناخته شد؛ اشتیاق و ترجیحات ذهنی فرد به مثابه یک عامل در تصمیم او برای مهاجرت نقش ایفا کرد و دیگر رفتار مهاجر تنها تابع عدم تعادل ساختارها در سطح کلان یا واکنشی نسبتاً مکانیکی به طیفی از دافعه‌ها، جاذبه‌ها یا تفاوت در دستمزدها در نظر گرفته نشد. کارلینگ^۲ (۲۰۰۲: ۱۰) با ارائه مدل اشتیاق/توانایی سعی کرد عاملیت و ساختار در فرایند مهاجرت را به یکدیگر پیوند دهد. او تأکید داشت خانواده و شبکه‌های اجتماعی به عنوان سطح میانه، سطوح کلان و خرد را به هم مرتبط می‌کنند. در سطح خرد در مدل اشتیاق/توانایی، درگیر شدن افراد در روابط اجتماعی درون و بیرون خانواده از مهمترین ویژگی‌های آن‌هاست؛ در سطح کلان نیز محیط مهاجرت نه تنها از نظر ساختارهای اقتصادی یا سیاسی تعریف می‌شود، بلکه از طریق تعامل اجتماعی بازتولید می‌شود. کارلینگ تأکید می‌کند که شبکه‌ها هم در شکل‌گیری اشتیاق و هم در توانایی برای مهاجرت نقش‌آفرینی می‌کنند.

¹ Gulich

² Carling

هاگ^۱ (۲۰۰۸: ۵۸۹) فرضیه‌های نظریه شبکه مهاجرت که تأثیر پیوندهای اجتماعی و خویشاوندی بر تصمیم به مهاجرت را توضیح می‌دهند، مرور می‌کند. در فرضیه قرابت^۲ شبکه‌های اجتماعی در محل زندگی، عامل پیشگیرانه در نظر گرفته می‌شوند و حضور اقوام و دوستان در محل زندگی، تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهند. بر اساس فرضیه‌های اطلاعات^۳ و تسهیل‌کنندگی^۴ اگر اقوام و دوستان در مکان‌های مختلف زندگی کنند، تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد. مهاجرت به این مکان‌ها جذاب‌تر می‌شود، زیرا شرایط زندگی شناخته شده است و اقوام و دوستان با تسهیل سازگاری با مکان جدید (به عنوان مثال، جستجوی شغل، حمایت مادی، تشویق و ایجاد روابط اجتماعی جدید) مهاجرت دیگران به محل زندگی خود را ترویج و توسعه می‌دهند. بر اساس فرضیه تعارض^۵، تعارضات درون خانوادگی باعث مهاجرت می‌شوند و شکست در پیوندهای شبکه‌های اجتماعی در محل زندگی می‌تواند به عنوان عامل دافعه عمل کند. بر اساس فرضیه تشویقی^۶ نیز خانواده‌ها ممکن است اعضای خانواده خود را برای یافتن کار تشویق به مهاجرت کنند؛ در این فرضیه شبکه‌های اجتماعی در محل زندگی عامل فشار برای تحقق بخشی به مهاجرت هستند.

شیول^۷ (۲۰۱۵: ۹-۱۰؛ ۲۰۱۹: ۳۴۲) معتقد است عوامل پسران^۸ مهاجرت اگرچه نه همیشه، اما اغلب از طریق شبکه‌های مهاجرت عمل می‌کنند. مهاجرانی که با شرایط سخت کار یا زندگی مواجه هستند، ممکن است غیرمهاجران مشتاق را متقاعد کنند که مقصد دیگری را انتخاب کنند، یا آن‌ها را متقاعد کنند که اصلاً مهاجرت نکنند. از نظر شیول سه عامل غیراقتصادی احساس دلبستگی به وطن و یا تعهد به توسعه آن، ارزش‌های مذهبی یا معنوی و حضور خانواده و اجتماع در وطن نیز قابلیت توضیح نگهداشت^۹ افراد در وطن را دارد. کالارد^{۱۰} (۲۰۱۸: ۱۱، ۷۹، ۹۸ و ۱۰۸-۱۰۹) اشتیاق فرد به هر تغییر بزرگ دگرگون‌کننده مانند مهاجرت را شکلی از عاملیت او می‌داند. عامل مشتاق (در این مطالعه مهاجر بالقوه) برای تبدیل شدن به فردی جدید (در این مطالعه مهاجر) مفاهیم موجود را با اشاره به درجاتی از دلایل یا ارزش در ابعاد جدید بسط می‌دهد. کالارد این فرایند را در تلاقی سه محور دلایل پیش‌نگرانه^{۱۱}، تعارضات درونی در زمانی^{۱۲} و خودآفرینی^{۱۳} مفهوم‌سازی می‌کند. دلایل پیش‌نگرانه حاکی از عقلانیت فرد برای توضیح دلایل اشتیاقش است؛ تعارضات درونی در زمانی، نشان‌دهنده اراده فرد مشتاق با حل و فصل تعارضات اخلاقی‌اش در طول زمان برای دستیابی به پدیده مورد اشتیاقش است و خودآفرینی بیانگر مسئولیت عامل، برای سازماندهی فرایند کسب ارزش‌ها در راستای تبدیل شدن به فردی جدید است. کالارد معتقد است در داستان‌های مربوط به خودآفرینی مشتاقانه، مشتاق نقش اصلی را ایفا می‌کند، اما به‌شدت نیز به مجموعه بازیکنان حامی متکی است. بازیکنانی که به چیزهایی اهمیت دهند و دوست داشته باشند که فرد مشتاق در تلاش به دستیابی به آن‌هاست. مشتاق با آگاهی از اینکه چیزی برای یادگیری وجود دارد، به کسانی که با اطمینان می‌توان ادعا کرد به ارزش مورد نظر دست یافته‌اند تکیه می‌کند.

¹ Haug

² Affinity hypothesis

³ Information hypothesis

⁴ Facilitating hypothesis

⁵ Conflict hypothesis

⁶ Encouraging hypothesis

⁷ Schewel

⁸ Repel

⁹ Retain

¹⁰ Callard

¹¹ Proleptic reasons

¹² Diachronic intrinsic conflict

¹³ Self-creation

در این مطالعه، مدل اشتیاق/ توانایی کارلینگ و تعاریف کالارد از محورهای سه‌گانه دلایل، تعارضات درونی و خودآفرینی مشتاق، حساسیت مفهومی ما را در برساخت مضامین اشتیاق، کشاکش رفتن/ ماندن و ظرفیت‌سازی برای مهاجرت برانگیخت. همچنین پیش‌فرض‌های پنج‌گانه قرابت، اطلاعات، تعارض، تشویق و تسهیل‌کنندگی نظریه‌های شبکه مهاجرت و توضیحات شیول از نقش پیوندهای اجتماعی در پس‌راندن و نگهداشتن افراد در وطن، مبنایی جهت تفسیر موضع‌گیری مشارکت‌کنندگان از جریان تعاملشان با شبکه‌ها در اختیار ما قرار داد.

۴. روش تحقیق

روش این مطالعه کیفی و ذیل پارادایم تفسیرگرایی است. هدفمان از بهره‌گیری از روش کیفی، فهم برساخت تعامل مهاجران بالقوه با شبکه‌ها و نقش آن‌ها در شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت و طی کردن فرایندهای مهاجرت است. شابلنهور^۱ (۲۰۱۸: ۱۰۰۰) و کالینز^۲ (۲۰۱۷: ۶) ادعا می‌کنند از بین رویکردهای مطالعه کیفی مهاجرت، رویکردهای زندگی‌نامه‌ای روشی مناسب برای فهم روایت شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت است؛ زیرا اشتیاق به رویدادهای دگرگون‌کننده (در این مطالعه مهاجرت) بخش جدانشدنی از دانش زندگی‌نامه‌ای افراد است و در بافت روایی هویت آن‌ها تنیده شده است.

به منظور کسب اطلاعات از مشارکت‌کنندگان از مصاحبه روایی استفاده کردیم. مصاحبه‌های روایی شامل سه بخش عمده روایت اصلی، پیگیری روایی و سنجشگری است (فلیک، ۱۳۹۷: ۳۸۹). بر این اساس، بخش اول مصاحبه‌ها را بعد از گفتگوی ابتدایی و یخ‌شکنی با این سؤال از روایت اصلی شروع کردیم: «فرض کن تو به قصه‌گویی و من اینجام تا به داستان زندگی تو از زمانی که به فکر مهاجرت افتادی گوش کنم. چه اتفاقی افتاد؟ و تا حالا چه مسیری را طی کردی؟» در ادامه به تناسب روایت‌گری هر کدام از روایان و شرایط مصاحبه، سوالات مربوط به پیگیری روایی و سنجشگری پرسیده شد.

شیوه تحلیل مصاحبه‌ها، تحلیل روایت مبتنی بر مضمون است. از نظر ریزمن^۳ (۲۰۰۸: ۸۷ و ۱۱۱) پرکاربردترین استراتژی تحلیل روایت، که بر محتوای متن و «آنچه» گفته می‌شود (یا نوشته می‌شود) تأکید دارد این شیوه از تحلیل است. اگرچه تحلیل روایت اساساً موردمحور است و داستان‌ها، نمونه‌هایی هستند که در زمینه‌های خاص فضا و زمان برساخت شده‌اند اما تحلیل روایت مبتنی بر مضمون امکان گونه‌شناسی بین موردها را نیز فراهم می‌کند و با بهره‌گیری از آن می‌توان موضع‌گیری‌ها و دغدغه‌های عمومی و گسترده‌تر را نشان داد. در این شیوه از تحلیل‌های روایی، همزمان که محقق به دنبال بینش نظری جدید از داده‌هاست، نظریه‌های پیشین نیز هدایتگر تحقیق هستند. بنابراین با توجه به قابلیت این شیوه از تحلیل، در مطالعه حاضر نیز چنانچه نظریات مرور شده در مورد شبکه‌های مهاجرت، قابلیت تفسیر یافته‌ها را داشت از آن بهره بردیم و همچنین به گونه‌شناسی روایان در تعامل با این شبکه‌ها پرداختیم.

مشارکت‌کنندگان اصلی در این مطالعه به صورت هدفمند از بین مهاجران بالقوه انتخاب شده‌اند. منظور از مهاجران بالقوه در این پژوهش افرادی هستند که اشتیاق به مهاجرت دارند یعنی رفتن را به ماندن ترجیح داده‌اند (کارلینگ، ۲۰۰۱: ۱۴) و برای تحقق بخشی به آن در حال کنشگری هستند. به این معنا که برای رسیدن به هدف خود انرژی، وقت و هزینه صرف می‌کنند و با انجام اقداماتی نظیر مراجعه به موسسات مهاجرتی، گرفتن وکیل مهاجرت، درخواست ویزا، زبان‌آموزی و شرکت در آزمون‌های زبان، پیگیر فرایندهای مهاجرتی خود هستند.

¹ Scheibelhofer

² Collins

³ Riessman

از آنجایی که در اغلب پیشینه‌های تجربی داخلی، میل به مهاجرت نخبگان، پزشکان، اساتید دانشگاه و دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته؛ در این مطالعه سعی کردیم بازگوکنندهٔ روایت گروهی باشیم که داستان‌شان کمتر شنیده شده است. بنابراین به سراغ مردم عادی رفتیم. مردم عادی را بر اساس استراتژی‌های معرفی شده توسط پاتون (۱۹۹۰) از نمونه‌های همگون^۱ جوانان گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال که داوطلب مهاجرت هستند انتخاب کردیم. از آنجایی که در مطالعات مهاجرت عموماً تصور می‌شود جوانان بیشترین میزان تمایل به مهاجرت را دارند (اصلانی و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۸). مشارکت‌کنندگان را از گروه سنی جوانان ۲۰-۴۰ سال انتخاب کردیم. همچنین دی‌هاس (۲۰۱۰: ۱۶۰۰) نیز بر اساس نظریه‌های سرمایهٔ انسانی و اجتماعی، تصریح کرده است که جوانان انتظار بیشتری از بازدهی سرمایهٔ انسانی پیش‌روی خود در طول عمر مورد انتظارشان دارند؛ بنابراین مهاجران بالقوه و بالفعل بیشتر از این ردهٔ سنی هستند. نداشتن امتیازاتی که تسهیلگر فرایند مهاجرت هستند مانند نخبگی، دستاوردهای علمی و تحقیقاتی، ثبت اختراع، تعلق به طبقات اقتصادی بالا، کارآفرینی موفق، اشتغال در ردهٔ بالای مدیریتی و تخصصی با درآمد بالا که اصولاً برای مردم عادی دور از دسترس است از دیگر معیارهای مهم ما برای انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان بود. البته لازم به ذکر است از آنجایی که در جامعهٔ ایرانی به دلیل تعدد انواع دانشگاه‌ها و راحتی اخذ مدرک دانشگاهی، صرف داشتن تحصیلات دانشگاهی امتیاز یا دستاورد ویژه‌ای برای فرد محسوب نمی‌شود؛ همچنین به دلیل شیوع فرهنگ مدرک‌گرایی، اکثر افراد شهرنشین در این ردهٔ سنی، مدارک تحصیلی دانشگاهی دارند؛ چنانچه افرادی تحصیلات تکمیلی داشتند اما شرایط مورد نظر برای وارد شدن به گروه مشارکت‌کنندگان را داشتند، به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب می‌شدند.

میدان مطالعه را به دلیل آشنایی محققان به متن و فرهنگ رایج در اصفهان، شهر اصفهان انتخاب کردیم. شهر اصفهان سومین کلانشهر ایران است که اکنون با خالص مهاجرت منفی، مهاجرپرست‌ترین شهرستان استان اصفهان است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۹۷: ۸۷). این موضوع می‌تواند اصفهان را در کنار سایر کلان‌شهرهای رتبه‌دار ایران در زمینهٔ مهاجرت، به عنوان میدانی مسئله‌مند برای شناخت و توصیف عمیق از پدیدهٔ اشتیاق به ترک وطن مطرح نماید. مصاحبه‌ها از خرداد ۱۴۰۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ انجام شد. بعد از انجام هر مصاحبه، آن را پیاده و تحلیل و از بین گزینه‌های موجود برای مصاحبه، مشارکت‌کنندهٔ بعدی که خود نیز تمایل به همکاری داشت را انتخاب می‌کردیم. زمان انجام مصاحبه‌ها از ۷۵ تا ۲۳۰ دقیقه متغیر بود. در نهایت روایت ۱۸ مشارکت‌کننده تحلیل شد که در جدول زیر مشخصات زمینه‌ای آن‌ها با نام مستعار مشاهده می‌شود.

جدول (۱): مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام مستعار	جنس	سن	میزان تحصیلات	شغل	تاهل
۱	ندا	زن	۲۹	کارشناسی ارشد پژوهش معماری	کارمند	مجرد
۲	نوید	مرد	۳۰	کارشناسی گرافیک	گرافیکست	مجرد
۳	داریوش	مرد	۲۴	دیپلم	بارستا	مجرد
۴	حدیث	زن	۳۵	کارشناسی علوم آزمایشگاهی	کارمند	متاهل
۵	آرش	مرد	۳۵	کارشناسی نرم افزار	مشاور املاک	مجرد
۶	شیوا	زن	۲۴	کارشناسی مدیریت	آرایشگر	مجرد
۷	ستار	مرد	۳۰	کارشناسی برق	کارمند	مجرد
۸	پویا	مرد	۲۹	کارشناسی ارشد شهرسازی	کارمند	مجرد

^۱ Homogeneous samples

ردیف	نام مستعار	جنس	سن	میزان تحصیلات	شغل	تاهل
۹	شروین	مرد	۲۸	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	بیکار	متاهل
۱۰	هدیه	زن	۲۷	کارشناسی ارشد مشاوره	بیکار	متاهل
۱۱	عرفان	مرد	۲۹	کارشناسی عمران	ساخت و ساز	متاهل
۱۲	شاهین	مرد	۳۲	کارشناسی نرم افزار	انیماتور	مجرد
۱۳	حنا	زن	۳۶	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	بیکار	متاهل
۱۴	مینو	زن	۳۰	کارشناسی شهرسازی	حسابدار	متاهل
۱۵	مهسا	زن	۲۵	کارشناسی فلسفه	فروشنده	متاهل
۱۶	مهراب	مرد	۳۶	کارشناسی ارشد فلسفه	آزاد	متاهل
۱۷	غزال	زن	۳۶	کارشناسی ارشد زبان فرانسه	مترجم شرکت	مجرد
۱۸	بهار	زن	۲۳	کارشناسی مهندسی مواد	بیکار	مجرد

۵. یافته‌ها

روایت مشارکت‌کنندگان، از شیوه تعامل با شبکه‌ها و نقشی که این شبکه‌ها در شکل‌گیری تصمیم‌شان به مهاجرت ایفا کرده‌اند را می‌توان در قالب سه مضمون اصلی اشتیاق به مهاجرت، کشاکش ماندن / رفتن و ظرفیت‌سازی برای مهاجرت برساخت نمود.

بر اساس تعریف کارلینگ (۲۰۰۱: ۱۴) در مدل اشتیاق / توانایی، منظور از اشتیاق به مهاجرت، اولویت‌یافتن مهاجرت بر ماندن در وطن است و در داستان مهاجران بالقوه در قالب نقاط عطف، کنش‌ها یا رخدادهایی که دلایل اشتیاق به مهاجرت را در مواجهه با شبکه‌ها و دیگران مهم شکل می‌دهد تجلی می‌یابد.

مضمون کشاکش ماندن / رفتن با الهام از دیدگاه کالارد، در راستای تشریح تعارضات درونی در زمانی فرد مشتاق برای تحقق بخشی به پدیده مورد اشتیاق (مهاجرت) برساخت گردید. این مضمون بیانگر کشاکش موضع‌گیری‌های مهاجر بالقوه در مواجهه با شبکه‌ها و دیگران مهم در چهارچوب ارزش‌هایی است که او را به ترک وطن مشتاق می‌نماید.

کارلینگ در مدل اشتیاق / توانایی تحقق مهاجرت را منوط به توانایی مهاجر بالقوه می‌داند و کالارد خودآفرینی، را مسئولیت فرد مشتاق برای ساماندهی فرایند کسب ارزش پدیده مورد اشتیاقش توصیف می‌کند. مشارکت‌کنندگان نیز برای تحقق بخشی به فرایند اشتیاق‌شان به مهاجرت به افزایش توانایی و ظرفیت خود برای مهاجرت پرداخته‌اند که در این مسیر نقش شبکه‌های مهاجرت و موضع‌گیری مهاجران بالقوه در مقابل آن‌ها غیرقابل انکار است.

در فرایند شکل‌گیری اشتیاق، کشاکش ماندن / رفتن و ظرفیت‌سازی مشارکت‌کنندگان در جریان تعامل با شبکه‌ها، گونه‌های مختلفی از مهاجران بالقوه و مضامین توصیف‌کننده دیگر، قابل برساخت شدن است؛ که در ادامه، ذیل هر کدام از مضامین اصلی تشریح خواهد شد. لازم به ذکر است به دلیل تعداد زیاد مشارکت‌کنندگان، ارائه توصیف و تفسیر روایت هر یک از آن‌ها از حوصله نوشته حاضر خارج است، بنابراین در هر بخش تنها به بازگویی نقل قول از روایت یک یا دو مشارکت‌کننده بسنده می‌کنیم.

۵-۱. اشتیاق به مهاجرت

تفسیر برخی مشارکت‌کنندگان از نحوه تعامل با شبکه‌های روابط اجتماعی داخل و خارج از کشور، برساخت‌کننده نقطه عطف روایت‌شان از شکل‌گیری اشتیاق به ترک وطن بوده است. برای برخی تقلید یا الگویی از شبکه‌های مهاجرت، آن‌ها را به ترک وطن ترغیب کرده است و برای برخی دیگر تعارض با دیگران مهم و از دست رفتن پیوندهای عاطفی در وطن، منجر به برساخت نقطه

عطف شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت شده است. بر این اساس در روایت مشارکت‌کنندگان با دو گونه مشتاقان ترغیب‌شده توسط شبکه‌های مهاجرت و مشتاقان مهاجرت به دلیل تعارض با دیگران مهم مواجه هستیم.

۵-۱-۱. ترغیب‌شدگان

مسی و همکاران (۱۹۹۳) و دی‌هاس (۲۰۱۰) پیوندهای حاصل از شبکه‌های مهاجرت را عاملی در راستای کاهش هزینه‌ها و مخاطره تحرک و افزایش بازده خالص مورد انتظار مهاجرت می‌دانند. مهاجران بالقوه با اتکا به این شبکه‌ها به مثابه شکل خاصی از سرمایه اجتماعی، می‌توانند فرایند مهاجرتشان را تا حد زیادی تسهیل نمایند و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی مهاجرت را کاهش دهند. در شکل‌گیری اشتیاق ستار، شاهین، هدیه، مهسا و بهار به مهاجرت، شبکه‌ها به مثابه ترغیب‌کننده، نقشی تأثیرگذار داشته‌اند و این نقش محوری تا مرحله ظرفیت‌سازی برای مهاجرت ادامه یافته است. این راویان از جانب شبکه‌های مورد تعاملشان اعم از حامیان ناظر (اقوام و دوستان ترغیب‌کننده غیرمهاجر در وطن) یا حامیان عامل (اقوام و دوستان مهاجر) برای مهاجرت، تشویق شده‌اند. عاملیت مشارکت‌کنندگان در این فرایند بر اساس شیوه همراهی، الگوبرداری، تقلید و یا به عبارت دیگر در نحوه کنشگری‌شان (خودراهبر بودن یا دگراهبر بودن) متفاوت است.

دگراهبری: در روایت ترغیب‌شدگان دگراهبر، نقش شبکه‌ها در شکل‌دهی به اشتیاق‌شان بسیار پررنگ است. آن‌ها با تشویق‌ها، زنده‌ها و اصرارهای نزدیکان در وطن و اقوام مهاجر در خارج از کشور به سمت انتخاب مهاجرت برای ادامه‌زندگی سوق داده شده‌اند. ستار ۳۰ ساله می‌گوید: «دایی من تو ایران مهندس موفق بود. وقتی رفت کانادا به ما می‌گفت که شرایط اونجا نسبت به ایران خیلی بهتره. شماها هم جمع کنین بیاین... برید کلاس زبان... من و خواهرم و دخترخاله‌م با همدیگه رفتیم کلاس زبان با همون استادی که داییم گفته بود. امتحان آیلتس رو هم دادم. ۶ شدم. اما هنوز قضیه خیلی برام جدی نبود... تو همین جریانات اون یکی داییم رفت، دخترخاله‌ها، دخترداییم همه رفتند. جمعیت ۶-۷ نفره از فامیل همه رفتن... اونا هی از شرایط بهتر اون جا گفتن و هی شرایط این جا برا من سخت‌تر شد» مهاجرت دومینوار اقوام و ترغیب و زنده‌ها شبکه‌های مورد تعامل ستار، او را به این باور رساند که مهاجرت تنها گزینه مناسب برای ادامه‌زندگی اوست: «دختر خاله من رفت ایتالیا، خاله‌م رفته پیش هفته پیش پیام داد گفت زندگی اینه که این می‌کنه نه تو!... شوهرخاله من یکی از بزرگترین پیمانکارای اصفهان بود. ورشکست شد. زندگیشو جمع کرد رفت کانادا. خاله‌م گفت: نگاه کن، شوهر منم با این دبدبه کبکبه رفت. ببین چقد شرایط بد... منم دیگه گفتم به هر دری که شده میزنم میرم». مهسا و هدیه بعد از ازدواج و به دلیل اشتیاق همسرانشان، مهاجرت و اقامت در کشوری دیگر را برای ادامه‌زندگی انتخاب کرده‌اند. مهسا ۲۵ ساله می‌گوید: «اصلاً یکی از شرایط همسرم قبل ازدواج این بود که می‌گفت من میرم و اگه تو می‌خوای بمونی اصلاً ازدواج نکنیم... اگه حالا قبول کردی نباید بعداً بزنی زیرش». هدیه ۲۷ ساله نیز به دلیل اصرار همسرش و نگرانی از بازخواست‌های آتی او در صورت مهاجرت نکردن تصمیم به مهاجرت گرفته است. او می‌گوید: «ازدواج که کردیم. همسرم با نگرش رفتن، برا همه انتظار ایجاد کرده بود... احساس کردم انقد می‌گه شاید دیگه راهی با این سشش براش نمونده... دیدم اینجور که داره پیش میره شاید به جایی برسه که بگه تو نداشتی من موفق بشم، دیگه منم از همین امسال تصمیمو گرفتم که بریم».

خودراهبری: در روایت خودراهبران نیز، مهاجرت دیگران مهم، نقطه عطف شکل‌گیری اشتیاق‌شان به مهاجرت است. اما این اشتیاق ناشی از زنده‌ها و اصرار اطرافیان و یا اجبار و تقلید صرف از مهاجرت دیگران مهم نیست. خودراهبران به تفسیر شیوه تعامل با اطرافیان و الگویی از مهاجرت دیگران مهم می‌پردازند. این گروه از مشتاقان در مدیریت و کنترل فرایند کسب اطلاعات و جلب حمایت شبکه‌های مهاجرت نقشی فعال ایفا می‌کنند. شاهین ۳۲ ساله که برادرش ۱۲ سال پیش برای ادامه تحصیل به کانادا

مهاجرت کرده است می‌گوید: «من داشتم دانشگاه نجف‌آباد درس می‌خوندم و داشتم تو یکی از بیست دانشگاه برتر دنیا. این برا خانواده خیلی مهم بود. برا خیلی خانواده‌ها مهمه که بگن بچه‌مون خارج داره درس می‌خونه... حالا از لحاظ درسی نه اما تو کارم موفق بودم. نسبت به سنم درآمد خوبی داشتم ولی بازم به چشم خانواده‌م نمیومد...» مهاجرت برادر، نقطه عطف روایت شاهین از شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت بود. اما الگوپذیری شاهین از برادرش روندی خوراهبر را هم در تقویت دلایل رفتن، هم انتخاب کشور مقصد و هم شیوه مهاجرت، طی کرده است. برادر شاهین بعد از مهاجرت، زمینه همکاری او با کمپانی‌های کشور کانادا را فراهم کرد. شروع روابط کاری با این موسسات و مقایسه آن با تجارب کاری داخل ایران، اشتیاق شاهین به مهاجرت را تشدید کرد. اگرچه در ابتدا، به دلیل اقامت برادر و سابقه همکاری با کمپانی‌های کشور کانادا، او در صدد اخذ ویزای کاری از این کشور بود. اما در حال حاضر که امکان مهاجرت تحصیلی‌اش به کشور امریکا فراهم شده، اولویت مقصد مهاجرتش را به امریکا و اخذ ویزای تحصیلی از این کشور تغییر داده است. او می‌گوید: «اولویتم تحصیلی رفته. اعتقاد دارم برا یه جای جدید وارد شدن محیط تحصیلی بهترین شرایط رو فراهم میکنه... تو امریکا آرزوهات ته نداره. هرچی آرزو کنی و تلاش کنی بهش می‌رسی... من تو اخلاقیاتم دوست دارم که یکی دو سال رو تنهایی بگذرونم... این سختی خودسازی تو امریکا نسبت به کانادا تو آینده کاریم فکر می‌کنم خیلی تأثیر بذاره.» ده سال پیش، دایی بهار به آلمان مهاجرت کرد. مهاجرت تحصیلی دایی، نقطه عطفی در روایت زندگی بهار دوازده ساله برای قدم گذاشتن در مسیر مهاجرت در آینده بود. او که اکنون ۲۲ سال دارد می‌گوید: «وقتی راهنمایی بودم داییم مهاجرت کرد به آلمان. اولین نفری بود که تو فامیل مهاجرت کرده بود و خیلی هم بازخورد خوبی ارزش می‌گرفتیم... همزمان تو اون برهه ما خانواده‌گی با یه سری مشکلات مالی عجیبی سر و کله می‌زدیم که جرقه‌ش پیش اومد که حالا اگه تو ایران مادر و پدرم به هر دری می‌زنند و نمیشه! مهاجرت می‌تونه یه روزنه امید باشه.» او در این مدت ده سال، مسیر زندگی تحصیلی و ارتقای مهارت‌هایش را در راستای تسهیل فرایند اخذ ویزای تحصیلی برای مهاجرت راهبری کرده است: «موقع انتخاب رشته دبیرستان با داییم مشورت کردم بهم گفت رشته تجربی و انسانی اصلاً خوب نیستند واسه مهاجرت برو ریاضی منم رفتم... تو دانشگاه رفتم رشته مواد که چیزی ارزش نمی‌دونستم و علاقه‌ای هم بهش نداشتم. اما خب فقط می‌دونستم میشه باهاش مهاجرت کرد.»

۵-۱-۲. متعارضان

در فرضیه قرابت در نظریه شبکه مهاجرت، شبکه‌های اجتماعی محل زندگی فرد، عامل پیشگیرانه مهاجرت در نظر گرفته می‌شوند. در فرضیه تعارض نیز بر نقش از دست رفتن پیوندهای عاطفی در محل زندگی در افزایش احتمال مهاجرت تأکید می‌شود. تعارضات با خانواده و شکست در پیوندهای عاطفی، نقطه عطف روایت شکل‌گیری اشتیاق به مهاجرت برای شیوا و پویا بوده است. شیوا ۲۴ ساله می‌گوید: «وقتی ۱۸ سالم بود، پدر و مادرم از هم جدا شدن. دیگه زندگیم یه جوریه شده بود که اون شور و حال قبل رو نداشتم، همون موقع تصمیم گرفتم از ایران برم.» برای پویا ۲۹ ساله، مخالفت شریک عاطفی‌اش برای مهاجرت دلیل ماندگاری طولانی مدت او در ایران علیرغم تشویق‌های همیشگی پدر و مادرش برای مهاجرت در سن پایین بود او می‌گوید: «از ۱۷ سالگی خانواده می‌گفتن برو. مامانم می‌گفت تا سرباز نشدی برو... من خیلی جدی نمی‌گرفتم، صادقانه بخوام بگم، تو اون سن یه سری وابستگی عاطفی برای خودم درست کرده بودم این‌جا، تازه اول دوست‌دختر پیدا کردن و عاشق شدنم بود و این باعث شده بود از رفتن واهمه داشتم باشم. اونقد دست دست کردم که مشمول شدم.» با پایان یافتن این رابطه عاطفی طولانی مدت، پویا خود را شکست‌خورده‌ای می‌دید که به دلیل پایبندی به عشقی نافرجام، قریب ده سال فرصت مهاجرت را از دست داده است؛ او دیگر دلیلی برای ماندن نداشت: «بعد کات شدن رابطه‌م، اولین چیزی که سراغم اومد بعد بحران یکی دو ماهه، این بود که گفتم خاک بر سرت به خاطر این دختر ۸-۹ سال

می‌توانی از این مملکت بری و نرفتی... خودمو سرزنش کردم که به خاطر کسی موندم که الان دیگه نیس. به خاطر کسی موندم که این کار رو باهام کردم... واقعیت اینه که وزنه سنگین موندن من شاید ۶۰ درصدش اون بود.»

۵-۲. کشاکش ماندن/رفتن

بنا بر دیدگاه کالارد (۲۰۱۸) ارزش دادن به چیزی نشان دهنده تغییر عمیق در نحوه دیدن، احساس و تفکر فرد است. او مشتاق بودن را نوعی حرکت اخلاقی از مجموعه‌ای از امیال و تعهدات گذشته به سمت مجموعه‌ای از امیال و تعهدات متفاوت در آینده می‌داند. به دست آوردن یک ارزش جدید اغلب ساختار اولویت‌های فرد را تغییر می‌دهد و چنین تغییراتی زمان‌بر است. فرد مشتاق به راحتی در امتداد طیف اشتیاق-بی‌اشتیاقی قرار نمی‌گیرد. او دچار تعارض درونی بین ارزش‌هایش است که در طول زمان ادامه می‌یابد و حتی بر خلاف تعارضات بیرونی که در نهایت حل و فصل می‌شود می‌تواند مادام‌العمر فرد را درگیر خود نماید. مشتاق در حال حرکت به سمت انتهای طیف اشتیاق است و در طی این مسیر به طور همزمان برای اشتیاقش هم ارزش قائل است و هم نیست. اگر بر اساس دیدگاه کالارد کشاکش اشتیاق به ترک وطن را به مثابه یک طیف در نظر بگیریم که یک سر طیف، ماندن و سر دیگر طیف رفتن از وطن باشد مشتاقان به مهاجرت با برداشتن گام‌هایی باشتاب یا آهسته در حال حرکت به سمت ارزش‌مندی مهاجرت و تحقق اشتیاقشان به رفتن هستند. اما این حرکت هنوز پایان‌ناپذیرفته است. مهاجران بالقوه تا تبدیل شدن به مهاجران واقعی و حتی بعد از آن، کم یا زیاد همچنان با دغدغه‌ها و تردیدهایی تراژیک در مورد انتخاب مهاجرت به عنوان تصمیمی برای ادامه زندگی خود مواجه هستند. پیوندهای عاطفی با خانواده و اجتماع دوستان در وطن، همچنین تردیدهای معطوف به حفظ و ایجاد پیوندهای اجتماعی در خارج از کشور از جمله دغدغه مشارکت‌کنندگان این مطالعه در کشاکش تعارضات ماندن / رفتن بوده است.

۵-۲-۱. پیوندهای وطن‌منا

شیول (۲۰۱۵) در توضیح عوامل نگهداشت فرد در وطن، حضور اقوام و دوستان در محل زندگی و پیوندهای عاطفی ناشی از آن را یکی از عوامل کاهش تمایل به مهاجرت می‌داند. دلبستگی به پیوندهای خانوادگی و دوستانه، احساس مسئولیت نسبت به خانواده و نگرانی از دلتنگی سایر افراد از جمله دغدغه‌های مشارکت‌کنندگان در راستای ترک شبکه‌های اجتماعی در وطن است.

دلبستگی به دیگران مهم: دلبستگی به خانواده و دوستان یکی از مهم‌ترین عوامل نگهداشت افراد در وطن است و تصمیم به مهاجرت، فرد را در تعارض ترک این پیوندها از یک طرف و اقدام به تحقق بخشی این تصمیم از طرف دیگر قرار می‌دهد. برای ندا ۲۹ ساله، وابستگی عاطفی به خانواده و دوستان اصلی‌ترین چالش طی کردن مسیر مهاجرت است. او می‌گوید: «خانواده‌مو دوستای صمیمیم همه اینجان سخته گذاشتنشونو رفتن.» حتی در تصویرسازی ندا از زندگی بعد از مهاجرت، دغدغه محرومیت از تعاملات عاطفی با خانواده و خویشاوندان وجود دارد. او می‌گوید: «مطمئنم به روزی عکس‌خونه مامان بزرگمو می‌ذارم رو به رومو می‌شینم گریه می‌کنم. دلم برای خونواده‌م تنگ می‌شه، مادر پدر و خواهرم، دایی و خاله‌هام، جفت پدرنزرگام. وقتی فکر می‌کنم که دیگه نزدیکم نباشند، خب خیلی خیلی ناراحتم.»

احساس مسئولیت نسبت به خانواده: احساس مسئولیت نسبت به انجام وظایف در خانه و نگرانی از سرنوشت اعضای خانواده در صورت ترکشان از جمله چالش‌های قدم گذاشتن در مسیر مهاجرت برای برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان است. اگرچه مادر ستار یکی از مشوقان اصلی او برای اقدام به مهاجرت است؛ اما دلبستگی به مادر و احساس مسئولیتی که نسبت به انجام وظایف در خانه پدری دارد او را برای طی کردن مسیر مهاجرت با چالش مواجه کرده است. ستار می‌گوید: «من همیشه از بچگی نسبت به

خانواده مسئول بودم. بابای من همیشه راه دور کار می‌کرد. از ۱۵-۱۶ سالگی خرید می‌کردم، آشنیزی می‌کردم... با این سابقه‌ای که تو خونه داشتم تنها گذاشتن مادرم سخته.» برای هدیه که به واسطه ترغیب شوهرش تصمیم به مهاجرت گرفته است؛ دلبستگی به خانواده و نگرانی نسبت به آینده پدر و مادرش در صورت ترکشان از جمله دغدغه‌های او برای ترک وطن است: «به هر حال پدر و مادر به آدم نیاز دارند. اینکه اینا چه اتفاقی براشون میوفته نگرانم می‌کنه... مامانم بیماری داره میترسم که برم براش یه اتفاقی بیوفته!»

دلتنی دیگران مهم: برای برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان، ابراز ناراحتی و دلتنی دیگران مهم، دغدغه‌ای است که خود را ناگزیر از مدیریت آن می‌دانند. حدیث ۳۵ ساله می‌گوید: «کمتر خونه مادرم می‌رم که کمتر وابسته بشن به بچهم. عادت بکنن به ندیدن‌ها... من دوتا دوست خیلی خیلی صمیمی دارم سعی می‌کنم تایم زیادی باهاشون نگذرونم که وقتی رفتم اذیت نشن. من که میرم و سرم گرم میشه برا اونا جای خالیم احساس میشه؛ کلاً دغدغه‌م هستنند. نمیدونم اینا رو چیکارشون کنم.»

۵-۲-۲. پیوندهای مقصدمنا

برخی از تردیدهای مشارکت‌کنندگان در راستای تحقق بخشی به مهاجرت، معطوف به پیش‌بینی وضعیت تعامل با دیگران مهم و شبکه‌های اجتماعی در کشور مقصد است. این دغدغه‌ها در راستای از دست دادن پیوندهای فعلی یا ناتوانی از ایجاد پیوندهای دوستانه و ورود به شبکه‌های جدید در کشور مقصد یا به عبارت دیگر ادغام در جامعه میزبان است. از نظر عرفان ۲۹ ساله: «/روپایا خیلی خشکن. زندگی اون جا خیلی سخته. توی هر سطحی هم باشی، نژادپرستی خیلی زیادی دارن» غزال ۳۶ ساله معتقد است: «سختی مهاجرت بیشتر به خاطر آدماست که از یه فرهنگ جدید و با یه زبون جدید که ارتباطو سخت می‌کنه. اینکه چجوری منو پذیرش می‌کنن؟! چیکار کنم؟! با چه سیاستی صحبت کنم؟! اینجا دسته‌آدم رفتارشن چجوریه اما اونجا نه!» هدیه که هشت سال است ازدواج کرده، نگران آینده زندگی مشترکش بعد از مهاجرت و ایجاد پیوندهای دوستانه در کشور میزبان است. او می‌گوید: «خب اونی که باهاش ازدواج کردم دوست دارم. اما آیا من دارم با این آدم میرم اونور مته همین الان می‌مونیم؟! چیزی رو از دست نمیدم؟!... از اونور امکان دوستی بومیای اونور با تو ۱۰-۲۰ درصد» بهار نگران ناتوانی از ادغام در جامعه میزبان، چگونگی ایجاد پیوندهای جدید و چالش پذیرش در شبکه‌های اجتماعی کشورهای مقصد به عنوان شهروند درجه دوم است. او می‌گوید: «پیدا کردن یه نفر که بتونی بهش اعتماد کنی و باهاش دوستی کنی خیلی سخته؛ چون تو شهروند درجه دو محسوب میشی و با فرهنگشون آشنا نیستی...اگه قرار باشه ازدواجم بکنم با یه ایرانی ازدواج می‌کنم چون تصویری از تربیت و انتظارات خارجیا ندارم.»

۵-۳. ظرفیت‌سازی برای مهاجرت

مشتاق کسی است که برای بهبود امیال، احساسات، ارزیابی‌های اخلاقی و به‌طور کلی، ظرفیت خود برای پاسخ به دلایل اشتیاقش تلاش می‌کند. ظرفیت‌سازی آمادگی فکری، عاطفی و عملی برای تحقق بخشی به مهاجرت است. مشتاقان مهاجرت برای تحقق اشتیاقشان به شبکه‌های اجتماعی وابسته هستند. شبکه‌های مهاجرت با در اختیار قرار دادن اطلاعات مورد نیاز در مورد فرایند مهاجرت و شرایط زندگی بعد از مهاجرت، هم‌پیوندان مشتاقان در کشورهای مبدأ را راهنمایی می‌کنند و یا با تسهیل فرایند کسب اقامت با اقداماتی نظیر فرستادن دعوتنامه، جستجوی شغل و حمایت مادی، توانایی مهاجرت آن‌ها را ارتقا می‌دهند. مشارکت‌کنندگان با برساخت موضع‌گیری‌های گوناگون جهت ظرفیت‌سازی و ارتقای توانایی‌هایشان به تعامل با این شبکه‌ها می‌پردازند. آن‌ها یا از

دریافت اطلاعات و تسهیل فرایندهای مهاجرت توسط شبکه‌های مهاجرت استقبال می‌کنند و یا به دلایلی تشویق‌ها و تحذیرهای آن‌ها را به چالش می‌کشند.

۵-۳-۱. دنبال‌کنندگان

این گروه به دنبال برقراری تعامل با شبکه‌های مهاجرت، کسب اطلاعات برای تصمیم‌گیری در انتخاب مقصد، پیگیری فرایندهای مهاجرت و جلب حمایت شبکه‌ها برای کمک به ارتقای توانایی و جهت‌بخشی به ظرفیتشان برای مهاجرت هستند. اگرچه برای شیوا ۲۴ ساله، مهاجرت به شیوه غیرقانونی به آلمان از گزینه‌های ابتدایی او برای رفتن بود؛ اما با توجه به تجربه ناخوشایند دوستانش از مصائب پناهندگی و فرهنگ مهاجرت‌ستیز آلمان، از مهاجرت به این کشور و به شیوه غیرقانونی منصرف شده است. او می‌گوید: «... خیلی رفتار بدی دارن، باید اول بری تو کمپ. تو کمپ نزدیک بود یه سیاهپوست به دوستم تجاوز کنه... خاله‌های یکی از دوستانم آلمان زندگی می‌کرد. می‌گفت اون جا با ایرانی‌ها مثله افغانیا تو ایران رفتار می‌کنن... می‌گه مثلاً اگه تو یه فست فودی کار کنی، آلمانی‌ها می‌گه برا من غذا نیار. این چیزا رو میگن اون جا خیلی هست. وقتی اون جا یه ایرانی رو قبول نداشته باشن، بهش کار ندن، خب به چه دردی می‌خوره؟!» او در حال حاضر تلاشش را معطوف به اخذ ویزای تحصیلی از کشور کانادا کرده است: «وکیل قبلیم می‌گفت برو آلمان پناهنده شو... من دوستم پنج سال اون جا تو یه کلیسا خوابید. نمی‌تونم بگم اون جا که رفتم یک ماهه قبولم می‌کنن یا ده ساله! خب سخته. من بخوام این تایم رو اضافه کنم، می‌شینم زبانمو کامل می‌کنم برای رفتن به کانادا که مطمئن باشم می‌رسم اون جا هیچ اتفاقی برام نمیوفته. تا اینکه بخوام پناهنده بشم برم کلیسا بخوابم یا برم زیر پای پلیس بخوابم که یه وقت بیرونم نندازن.» آرش ۳۵ ساله از حدود ده سال پیش تلاشش برای رفتن از ایران را آغاز کرده است. اغلب این تلاش‌ها با مشورت و راهنمایی شبکه‌های مهاجرتش در خارج از کشور بوده است. تجربه ناموفق مهاجرت غیرقانونی و بازگردانده شدن از مرز یونان با مشورت یکی از اقوام مهاجرش در استرالیا و ارتباط با رابط غیرقانونی معرفی شده توسط او شکل گرفت: «نوه داییم استرالیاست. یکی از دوستای صمیمیش را بهم معرفی کرد که باهاش از راه ترکیه غیرقانونی برم یونان بعد خودمو معرفی کنم... ما تو ماشین قاچاقچیا نشسته بودیم که ساعت ۳ نصف شب پلیس اومد سروقتمون... من فکر کردم می‌برنمون کمپ. بعد دیدم بردنمون همون جایی که اومدیم پیاده‌مون کردند... همه چی رو از دست دادم... قاچاقچیا ۴۰۰۰ یورو از من خوردند... خب من به اونا اعتماد کردم؛ چون پسرداییم تأییدشون کرد.» تلاش اخیر آرش در راستای جلب حمایت برادرش که ساکن کاناداست برای ارسال دعوت‌نامه جهت سفر به این کشور و اعلام پناهندگی در آن است. او می‌گوید: «یکی دیگه از داداشام کاناداست. بهش گفتم برام دعوت‌نامه بفرست. پول جور کردیم رفتم دوی برای سفارت کانادا... کارامو کردم وقتی برگشتم هواپیما را زدن من ریجکت شدم بعدم که کرونا شد... برادرم گفت بذار چند ماه بگذره دوباره اقدام کن... بتونم برم اعلام پناهندگی می‌کنم»

۵-۳-۲. چالش‌گران

این گروه، مشارکت‌کنندگانی هستند که اطلاعات دریافتی از شبکه‌های مهاجرت، تشویق‌ها، حمایت‌ها و تحذیرهای آن‌ها را در راستای تصمیم خود به چالش می‌کشند؛ تا زمانی که تصمیم به مهاجرت نگرفته‌اند حمایت‌های اطلاعاتی، عاطفی و مالی شبکه‌ها را طرد می‌کنند و یا چنانچه مخالف دیدگاه خودشان باشد آن را نادیده می‌گیرند و انکار می‌کنند. بر اساس روایت مشارکت‌کنندگان در این گروه، دو گونه از چالش‌گران طردکننده/پذیرنده و انکارکننده قابل برساخت شدن است.

طردکنندگان پذیرنده: این گونه از ظرفیت‌سازان، مشتاقانی هستند که تشویق و ترغیب حامیان ناظر در وطن یا حامیان مهاجر را برای ظرفیت‌سازی تا زمانی که تصمیم قطعی به مهاجرت نگرفته بودند طرد می‌کردند؛ اما بعد از اینکه به واسطه وقوع رخدادی در روایت زندگی‌نامه‌ای‌شان تصمیم به مهاجرت گرفتند برای آمادگی ذهنی و اقدام برای طی کردن مسیر مهاجرت به تعامل با شبکه‌های مهاجرت پرداختند و حمایت عاطفی، مالی و اطلاعات ارسالی آن‌ها را پذیرا شدند. ندا ۲۹ ساله فراغ التحصیل کارشناسی ارشد پژوهش معماری تا سال ۱۳۹۸، علیرغم سابقه مهاجرت در خانواده و دوستان و تشویق‌های همیشگی پدر و مادرش هیچ اشتیاقی به رفتن از ایران نداشت. او می‌گوید: «صمیمی‌ترین دوستم سال ۹۶ مهاجرت کرد و مامانم اون موقع خیلی می‌گفت: کاش تو هم باهش بری. من اون موقع شرایط زندگیم اینجا اوکی بود. کارای پایان‌نامه ارشدمو می‌کردم. در مجموع راضی بودم. می‌گفتم نه بابا. کجا پاشم برم؟! » بعد از رخداد وقایع آبان‌ماه ۱۳۹۸ و سقوط هواپیمای اکرانی، ندا امید خود به تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی را از دست داد و تصمیم به مهاجرت گرفت. تداوم تشویق‌های خانواده و تعامل با دوستان مهاجر برای ندا که تصمیمش را برای مهاجرت گرفته بود هم مجرای برای کسب اطلاعات در مورد شیوه مهاجرت تحصیلی و هم آرامبخش تردیدها و نگرانی‌های او برای رفتن و ترک وطن بود: «قبل از عید ۹۹، هنوز انگار من می‌ترسیدم خیلی جدی به این قضیه فکر کنم، ولی یکی از دوستانم بهم گفت اگه فکر می‌کنی به اون آستانه رسیدی که باید این کارو بکنی، شروع کنی اصلاً در برابرش مقاومت نکن. بنظرم حرف درستی بود؛ یعنی انگار من دیگه ترسیدم که به این ماجرا فکر کنم و مقاومتی هم نداشتم...دیگه شروع کردم به دوستانم که تو رشته خودم اونطرف بودند، پیام می‌دادم که مثلاً شما اونجا فلان کار رو چیکار کردین؟!» عرفان ۲۹ ساله تا چند سال پیش علیرغم تشویق برادر همسرش که به کانادا مهاجرت کرده بود هیچ اشتیاقی به مهاجرت نداشت او می‌گوید: «برادرخانومم که سال ۹۵-۹۶ از کانادا اومد ایران، بهم گفت برا چی می‌خوای عروسی بگیری و این پول رو این جا خرج بکنی. برادر بیار کانادا. یادمه بهش جدی گفتم که نه بابا کجا برم؟! من این جا پدرم دراومده و از اون مهم‌تر این که من اصلاً نمی‌تونم از اصفهان خارج بشم. حتی مسافرت بیشتر از یه هفته هم که میرم، دیوونه میشم که برگردم.» عرفان بعد از شروع بحران‌های اقتصادی سال ۱۳۹۸ و لمس تأثیر آثار مخرب آن در کار و زندگی، همچنین نگرانی نسبت به ادامه این روند در آینده، به فکر مهاجرت افتاد. مقایسه وضعیت زندگی در ایران با شرایط زندگی دوستان و اقوام مهاجر نقش مهمی در تقویت برساخت دلایل و آمادگی ذهنی عرفان برای مهاجرت داشته است. او می‌گوید: «برادر خانومم ناظر شهرداری اهواز بود. خانومشم پرستار بود. سال نود داراییشون یه خونه مستاجری و یه سمند بوده...اون موقع نمی‌تونستن یک رو دو کنن. همشم ترس از آینده بچه‌ها و خودشون داشتن. الان هشت ساله کانادان. تو این هشت سال خونه ویلایی خریدن که قسطشو میدن...خودشو خانومش ماشین دارن...در رفاه کاملن. بچه‌هاشون تو بهترین مدارس دولتی با بهترین سطح آموزش درس می‌خونن...میگه من نگرانی ندارم...» عرفان کشور کانادا را به پیشنهاد دوستان و کسب اطلاعات از آن‌ها به عنوان مقصد مهاجرتش انتخاب کرده است: «کانادا فرهنگش مهاجرپذیره. پذیرفته شده که یه مهاجری درست نتونه صحبت کنه. سعی می‌کنن کمکش کنن. من با تحقیق اینا رو میگم. دوستای نزدیکم که تعدادشونم اونجا زیاده همه میگن اینجوره.»

انکارکنندگان: شول (۲۰۱۵، ۲۰۱۹) معتقد است اغلب عوامل پسران مهاجرت از طریق شبکه‌های مهاجرت عمل می‌کند. مهاجرانی که با شرایط سخت کار یا زندگی مواجه هستند، ممکن است مهاجران مشتاق را متقاعد کنند مقصد دیگری را انتخاب کنند یا اصلاً مهاجرت نکنند. در مواجهه با اینگونه از شبکه‌ها برخی از مشارکت‌کنندگان در راستای حفظ ثبات قدمشان برای رفتن، اطلاعات ارسالی از جانب شبکه‌های مهاجرت در مورد سختی‌های غربت و زندگی در خارج از کشور را انکار و یا حتی به منظور سست نشدن در تصمیم خود ارتباطشان را با دوستان و اقوام مهاجر قطع می‌کنند. هدیه ۲۷ ساله، شبکه‌های اقوام مهاجرش از تنهایی و غربت را با توجیه اینکه احساس بد آن‌ها از مهاجرت به دلیل سختی‌های پناهندگی است و او قصد مهاجرت به این شیوه را ندارد،

انکار می کند او می گوید: «اغلب فامیلا می پناهنده شدن خب پناهندگی سخته. کلاً هم فازشون منفیه و میگن احساس تنهایی می-کنی، اذیت میشی و فلان... برا همین اصلاً خیلی باهاشون ارتباط نمی گیرم» نوید ۳۰ ساله می گوید: «یکی از آشناهامون که چندین ساله مهاجرت کرده هر چند وقت یه بار میاد ایران، می گه برا چی میخوای مهاجرت کنی؟! ولی خودش می ره اونور حقوق بازنشستگی شو می گیره. خونه استخردارش رو داره و خب برنمی گرده ایران. چرا؟! فقط میاد ایران این چیزایی که داره، می فروشه و می ره. خب تو که از این جا راضی هستی، چرا برنمی گردی؟!»

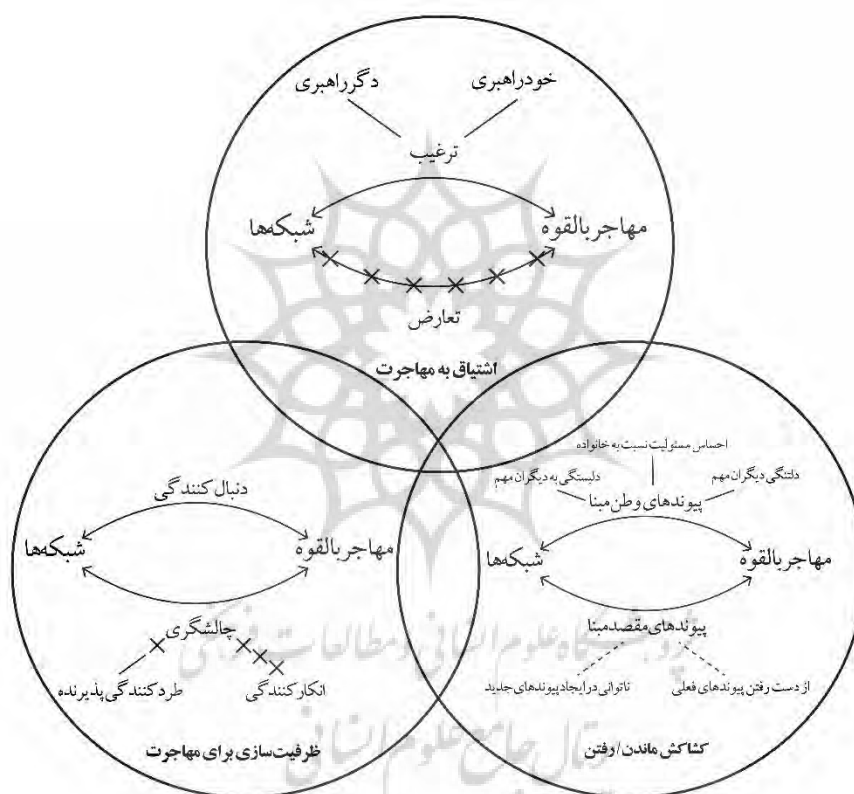
۶. بحث و نتیجه گیری

نظریات شبکه مهاجرت در سطح میانه، مهاجران بالقوه را در سطح خرد به عوامل سطح کلان که تعیین کننده های ساختاری هستند پیوند می زنند و در برخی از مواقع نیز معادلات مفروض در نظریه های نئوکلاسیک مهاجرت در راستای تعامل سطح خرد و کلان به هم می زنند. همانگونه که دی هاس (۲۰۱۰) و مسی و همکاران (۱۹۹۳) تأکید می کنند شبکه ها، محدودیت های ساختاری مانند هزینه های بالای سفر و سیاست های محدودکننده مهاجرت را به چالش می کشند و ظرفیت مهاجران بالقوه برای مهاجرت را افزایش می دهند. به عبارت دیگر شبکه ها می توانند شرایط ساختاری اولیه را به گونه ای تغییر دهند که مهاجرت در مسیرهای خاص را تسهیل نمایند.

همانگونه که دی هاس (۲۰۱۰) ادعا می کند در جوامعی که سازمان اجتماعی و اعتماد عمده مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی است، این پیوندها کانال اصلی سوق یافتن فرد به سمت مهاجرت بین المللی است. اما نمی توان ادعا کرد که شبکه ها شرط لازم یا کافی برای مهاجرت هستند زیرا پیوندهای حاصل از شبکه های اجتماعی نقش چندگانه ای در فرایند مهاجرت ایفا می کنند. در برخی از مواقع، این شبکه ها در مبدأ و مقصد منابعی برای تشویق و تسهیل فرایند مهاجرت هستند. آن ها در این فرایند از لحاظ عاطفی، مشورتی، مالی و اطلاعاتی از مهاجران بالقوه حمایت می کنند. در برخی از مواقع شبکه های اجتماعی در وطن با حفظ و تحکیم پیوندها و در مقصد با تحذیر مهاجران بالقوه و زنهار دادن نسبت به مصائب مهاجرت می توانند دلیلی برای ماندن افراد در وطن باشند. این نقش آفرینی ها مستلزم آن است که اعضای تشکیل دهنده این شبکه ها تمایل به کمک و یا حتی مداخله در ترغیب یا تحذیر مهاجران بالقوه به دلایل اخلاقی، دوستانه یا حتی خودخواهانه داشته باشند و هم منابع یا سرمایه های لازم برای ایفای نقش آفرینی در این فرایند را داشته باشند. به عنوان مثال، مهاجران فقیر و به حاشیه رانده شده در کشورهای مقصد به راحتی قادر به یاری رساندن به دوستان یا اقوام خود در وطن برای تسهیل فرایند مهاجرت شان نیستند؛ زیرا منابع و سرمایه لازم برای انجام این کار را در اختیار ندارند و یا مهاجرانی که توانایی لازم را دارند اما تمایلی به ایفای نقش در این زمینه ندارند عملاً خود را از دایره شبکه های مهاجرت خارج می نمایند.

کوشش های نظری اخیر در راستای مفهوم سازی اشتیاق به مهاجرت مانند دیدگاه های نظری کارلینگ (۲۰۰۲)؛ کارلینگ و کالینز (۲۰۱۸)؛ کارلینگ و شول (۲۰۱۸) کالارد (۲۰۱۸) و دی هاس (۲۰۲۱) با در نظر گرفتن نقش ویژه برای عاملیت مهاجران بالقوه بر این موضوع تأکید دارند که در مقابل ساختارهای کلان و شبکه ها، با عاملانی مواجه هستیم که محدودیت ها و فرصت های ساختارها و نقش آفرینی شبکه ها در این فرایند را تفسیر و نسبت به آن ها جهت گیری می کنند. مهاجران بالقوه به تعامل با شبکه های مهاجرت می پردازند و متناسب با روایت خود از حمایت، تشویق، تحذیر و اطلاعات ارسالی از جانب آن ها استقبال می کنند و یا آن ها را نادیده می گیرند. با کنکاش در روایت مشارکت کنندگان این مطالعه، می توان ادعا کرد که شبکه ها در تعامل با مهاجران بالقوه نقش مهمی در تصمیم به مهاجرت و ترک وطن ایفا می کنند. اما نحوه تعامل مشارکت کنندگان با این شبکه ها و تفسیری که از نقش آفرینی آن ها در

این فرایند دارند گونه‌های مختلفی از مهاجران بالقوه و موضع‌گیری‌های متفاوتی در تعامل با شبکه‌ها را بر ساخت می‌نماید. در مدل زیر نحوه تعامل مشارکت‌کنندگان این مطالعه به مثابه مهاجران بالقوه با شبکه‌ها در فرایند شکل‌گیری تصمیم‌شان به مهاجرت بازنمایی شده است. این تعاملات در بخش‌های روایی مرتبط به هم، با مضامین اشتیاق به مهاجرت، تعارضات ناشی از کشاکش ماندن یا رفتن و ظرفیت‌سازی برای مهاجرت ترسیم شده است. در یک سمت تعامل، مهاجر بالقوه با قدرت عاملیت برای همراهی یا عدم همراهی با شبکه‌ها قرار دارد و در سمت دیگر، شبکه‌ها با قدرت تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری مهاجران بالقوه، نقش‌آفرینی می‌کنند. این تعاملات، دغدغه‌ها و به تبع آن موضع‌گیری‌های مختلفی را در سطح شکل‌گیری اشتیاق، کشاکش ماندن/رفتن و ظرفیت‌سازی برای ترک وطن بر ساخت می‌نماید.



شکل (۱): فرایند تعامل مهاجران بالقوه با شبکه‌ها

مهاجرت یا تصمیم به مهاجرت نزدیکان و دیگران مهم می‌تواند نقش مهمی در ترغیب افراد به مهاجرت و فرایند شکل‌گیری اشتیاق به ترک وطن، ایفا کند. همانگونه که بال و ویلیامز^۱ (۲۰۱۴: ۲۵۳) و دی‌هاس (۲۰۲۱: ۱۷) ادعا می‌کنند سابقه مهاجرت در خانواده، دوستان و آشنایان منجر به ترویج فرهنگ مهاجرت می‌شود. فرهنگ مهاجرت باورها، هنجارها و ایده‌هایی است که چهارچوبی از تفسیر و ارزیابی برای ماندن یا رفتن ایجاد می‌کند و به تغییر ایده‌های زندگی خوب و پذیرش سبک زندگی جدید منجر می‌شود. فرایند نقش‌آفرینی این شبکه‌ها در ترغیب مشارکت‌کنندگان این مطالعه، برحسب الگوگیری خودراهبر یا تقلید دگرراهبر

¹ Bal & Willems

متفاوت بوده است. در فرایند خودراهبری، مهاجران بالقوه تنها با الگوگیری از مهاجرت دیگران مهم و با تکیه بر عاملیت خود تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و به صورت فعالانه مسیرها و فرایندهایی که به تسهیل فرایند مهاجرتشان کمک می‌کند را انتخاب کرده و به کنشگری در این زمینه پرداخته‌اند. اما در مقابل، در گونه دگرراهبر، مهاجران بالقوه نه به دلیل انتخاب شخصی خودشان بلکه بیشتر به دلیل تشویق یا اصرار دیگران مهم، به سمت مهاجرت سوق داده شده‌اند. در جریان تعامل مشارکت‌کنندگان با شبکه‌ها، گونه‌ای دیگر از دلایل تصمیم به مهاجرت، ناشی از تجربه شکست در پیوندهای عاطفی با شبکه‌های اجتماعی در وطن و تعارض با دیگران مهم بر ساخت گردید. همانگونه که در فرضیه تعارض مهاجرت نیز تصریح شده است تعارضات درون خانوادگی و شکست در پیوندهای حاصل از شبکه‌های اجتماعی در محل زندگی می‌توانند دلیلی برای تصمیم فرد به مهاجرت باشد.

اغلب مهاجران بالقوه در تعارض ارزش‌هایی که در حال حاضر برای ماندن در وطن دارند با تصمیمی که برای مهاجرت گرفته‌اند در کشاکش هستند. در این مرحله نیز تفسیر مهاجران بالقوه از دغدغه تعامل با شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای حاصل از آن در وطن و کشورهای مقصد از جمله عوامل بر ساخت‌کننده تعارضات معطوف به این زمینه بوده است. احساس دلبستگی و مسئولیت نسبت به خانواده و دوستان و نگرانی بابت دلتنگی آن‌ها از جمله دغدغه‌های معطوف به پیوندهای اجتماعی موجود در وطن در بین مشارکت‌کنندگان این مطالعه بود. نگرانی از دست رفتن پیوندهای فعلی و ناتوانی از ورود به شبکه‌های اجتماعی، ادغام و پذیرش در کشورهای مقصد نیز دغدغه‌های دیگر مشارکت‌کنندگان به مثابه مهاجران بالقوه، در راستای تصویرسازی‌شان از زندگی بعد از مهاجرت در کشوری دیگر بوده است.

تلاشی که منجر به افزایش قابلیت و آمادگی ذهنی و عملی افراد برای مهاجرت می‌شود حاکی از ظرفیت‌سازی مهاجران بالقوه است. همانگونه که کالارد ادعا می‌کند (۲۰۱۸: ۱۰۸-۱۰۹) در داستان‌های مربوط به خودآفرینی مشتاقانه، مشتاق نقش اصلی را ایفا می‌کند، اما به‌شدت نیز به مجموعه بازیکنان حامی متکی است. بازیکنانی که به چیزهایی اهمیت دهند و دوست داشته باشند که مشتاقان در تلاش برای دستیابی به آن‌ها هستند. مشتاقان با آگاهی از اینکه چیزی برای یادگیری وجود دارد، به کسانی که با اطمینان می‌توان ادعا کرد به ارزش مورد نظر دست یافته‌اند تکیه می‌کنند. بر این اساس مهاجران بالقوه انتخاب می‌کنند که در فرایند ظرفیت‌سازی چه اطلاعات و حمایتی را بپذیرند و چه چیزی را نادیده بگیرند. گونه‌ای از مهاجران بالقوه در این مطالعه، دنبال‌کنندگان اطلاعات ارسالی و استقبال‌کنندگان از حمایت مالی، عاطفی و اطلاعاتی شبکه‌های مهاجرت، جهت تسهیل فرایند مهاجرتشان هستند. در مقابل این گونه، شکل دیگر تعامل جهت ظرفیت‌سازی برای تبدیل شدن به مهاجر واقعی برای مشارکت‌کنندگان، در چالش با این شبکه‌ها شکل گرفته است. برخی در دوره‌ای از روایت زندگی‌نامه‌ای‌شان قصد مهاجرت نداشته‌اند و علیرغم تشویق و اظهار حمایت شبکه‌های مهاجرت در مقصد و شبکه‌های حامی در وطن برای قدم گذاشتن مشارکت‌کنندگان در مسیر مهاجرت، طردکننده تشویق و حمایت آن‌ها بودند؛ اما زمانی که خود تصمیم به مهاجرت گرفتند چالش طرد تشویق شبکه‌ها را به پذیرش اطلاعات و حمایت‌های ارسالی از جانب آن‌ها تغییر داده‌اند. گروه دیگر از چالش‌گران با شبکه‌ها، مهاجران بالقوه‌ای هستند که با تحذیر شبکه‌ها برای ترک وطن و زنده‌ماندن آن‌ها نسبت به مشکلات مهاجرت مواجه بوده‌اند. این گونه از مهاجران بالقوه آنچنان در تصمیم‌شان مصمم هستند که با اعمال عاملیت خود و به منظور جلوگیری از ایجاد اخلال در تصمیم‌شان برای مهاجرت، به انکار و نادیده گرفتن تحذیر این شبکه‌ها پرداخته‌اند.

۶. منابع

- افشاری، علی و همکاران (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش جوانان تهرانی به مهاجرت خارج از کشور، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، سال ۱۹، شماره ۴۷، ۳۰-۹
- افیونی، شکوه و قاسمی، عاصمه (۱۳۹۸). تحلیل تجربه زیسته زنان از مهاجرت (مطالعه مهاجرت برون‌مرزی زنان)، علوم اجتماعی، سال ۲۶، شماره ۸۷، ۱۷۸-۱۵۵
- رصدخانه مهاجرت ایران (۱۴۰۱). سالنامه مهاجرتی ایران. نشر پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان (۱۳۹۷). بررسی جریانات مهاجرتی استان اصفهان. تهران: نشر سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات
- فلیک، اووه (۱۳۹۷). راهنمای روش تحقیق کیفی. ترجمه: ستار محمدی تلوار، تهران: نشر جامعه‌شناسان
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی
- صادقی و همکاران (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مهاجرت از ایران. مطالعات جمعیتی، سال ۴، شماره ۲، ۱۰۸-۸۳
- میرزایی، حسین و باباخانی، احسان (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاییان استان ایلام به کشور استرالیا (مطالعه موردی روستای آبهر پایین). مطالعات اجتماعی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، ۱۵۱-۱۲۸
- Aslany, Maryam & et al (2021). Systematic review of determinants of migration aspirations. QuantMig Project Deliverable D2.2. Southampton: University of Southampton.
- Bal, Ellen; Willems, Roos (2014). Introduction: Aspiring migrants, local crises and the imagination of futures 'away from home'. Global Studies in Culture and Power, Vol. 21, No. 3, 249-258
- Bertoli, Simone ; Ruysen, Ilse (2018). Networks and migrants' intended destination. Economic Geography, Vol 18, No 4, 705-728
- Callard, Agnes (2018). The agency of becoming: oxford university press
- Carling, Jorgen (2001). Aspiration and ability in international migration Cape Verdean experiences of mobility and immobility. Thesis submitted in partial fulfilment of the Cand. Polit. degree in Human Geography. Department of Sociology and Human Geography, University of Oslo
- Carling, Jorgen (2002). Migration in the Age of Involuntary Immobility: Theoretical Reflections and Cape Verdean Experiences. Ethnic and Migration Studies, Vol. 28, No.1, 5-42
- Carling, Jorgen. (2014). The role of aspirations in migration, Determinants of International Migration, International Migration Institute, University
- Carling, Jorgen. Collins, Francis L (2018). Aspiration, desire and drivers of migration, Ethnic and Migration Studies, Vol. 44, No. 6, 909-926
- Carling, Jorgen; Schewel, Kerilyn (2018). Revisiting aspiration and ability in international migration, Journal of Ethnic and Migration Studies, Vol. 44, No. 6, 945-963
- Collins, Francis L (2017). Desire as a theory for migration studies: temporality, assemblage and becoming in the narratives of migrants. Ethnic and Migration Studies, Vol. 42, No.2, 1-17
- Creighton, Mathew.J (2013). The role of aspirations in domestic and international migration. Social Science Journal, Vol. 50, No. 1, 79-88
- Crivello, Gina (2015). There's no future here: The time and place of children's migration aspirations in Peru. Geoforum ,62, 38-46
- De Haas, Hein (2010). The Internal Dynamics of Migration Processes: A Theoretical Inquiry, Ethnic and Migration Studies, Vol. 36, No. 10, 1587-1617
- De Haas, Hein (2021). A theory of migration: the aspirationscapabilities framework. Comparative Migration Studies, Comparative Migration Studies, Vol. 9, No. 8, 1-35

- Elbadawy, Asmaa (2011). *Migration Aspirations among Young People in Egypt: Who Desires to Migrate?*. Working Papers 619, Economic Research Forum
- Georgina, Chuatico ; Haan, Michael (2022). *Bonding social ties: relative human capital and immigrant network choices*. Ethnic and Migration Studies, Vol. 48, No.7,1-21
- Guhlich, Anna (2017). *Migration and Social Pathways: Biographies of Highly Educated People Moving East-West-East in Europe*. Verlag Barbara Budrich: Opladen press
- Haug, Sonja (2008). *Migration Networks and Migration Decision-Making*. Journal of Ethnic and Migration Studies, Vol. 34, No. 4, 585-605
- Massey, Douglas S & et al (1993). *Theories of International Migration: A Review and Appraisal*. Population and Development Review, Vol. 19, No. 3, 431-466
- Patton, M (1990). *Qualitative evaluation and research methods* (169-186): SAGE Publications
- Riessman, Catherine, Kohler (2008). *Narrative Methods for the Human Sciences*: SAGE Publications
- Scheibelhofer, Elisabeth (2018). *Shifting migration aspirations in second modernity*. Ethnic and Migration Studies, Vol. 44, No. 6, 999–1014
- Schewel, Kerilyn (2015). *Understanding the Aspiration to Stay A Case Study of Young Adults in Senegal*. Working Papers, International Migration Institute
- Schewel, Kerilyn (2019). *Understanding Immobility: Moving Beyond the Mobility Bias in Migration Studies*. International Migration Review, Vol. 54, No. 2, 328-355
- Constructing interaction with immigration networks in the narrative of those who want to leave their homeland